

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده پزشکی دانشگاه

علوم پزشکی شهید بهشتی

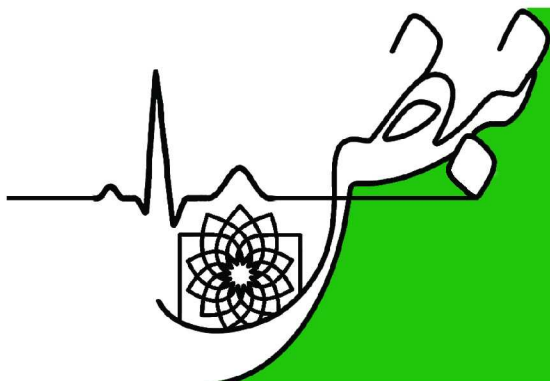
مدیر مسئول: ابوالفضل صدقی

سر دبیر: امیر حسین قاسمی

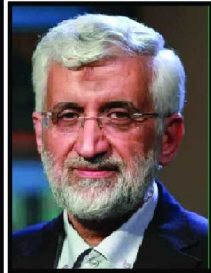
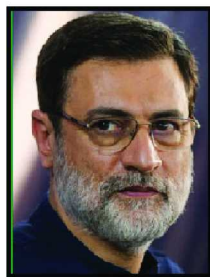
هیئت تحریریه: پوران پور شهریار، سید سجاد حسینی،

امیر حسین قاسمی

صفحه آرا: مهدی پناهی زاد



میراث شهید



صندلی ریاست جمهوری بزرگ (شده) است!!!

شهید ریسی در هزار و اندی روزی که ریاست جمهوری را برعهده داشت تلاش کرد تا به همه نشان دهد که رئیس جمهور چقدر در کشور جایگاه دارد و چقدر می تواند فرق کند که چه کسی بر این صندلی می نشیند.

ایشان نشان داد که می توان هم در بین مردم بود و به مشکلاتشان رسیدگی کرد و هم به وقتش تصمیم کلان گرفت و آینده کشور را فدای امروز نکرد (مثل حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی)

هم می توان تقوا داشت و در سکوت روابط منفی بین قوا را زدود و هم می توان به وقتش مدیران فاسد را بر کنار کرد هم می توان عکس سردار سلیمانی و قرآن را در سازمان ملل بالا برد و هم می توان کشور را عضو سازمان بریکس و شانگهای کرد و روابط دوستانه با کشورهای منطقه برقرار کرد و هم می توان به اسرائیل حمله نظامی کرد و هم قیمت دلار را ثابت نگه داشت.

ما تا قبل از شهادتشان شاید کمتر اقدامات مثبت و ویژگی هایشان را می دیدیم و با عنایت خدا و شهادت در نقطه ای دور افتاده در چشمان همگان بزرگ شد.

ما قصد نداریم این ویژگی ها را بازگو کنیم که همگی افسوس بخوریم بلکه باید از این ویژگی ها برای آینده کشور بهره برد.

هم کاندیداها باید این ویژگی ها را در خودشان پرورش دهند و هم مردم آگاهانه بهترین فرد را انتخاب کنند تا گره از کار کشور نیز باز شود. آقایان جلیلی، قاضی زاده، قالیباف، پزشکیان، پورمحمدی و زاکانی چند خطی برای شما می نویسم:

شما خوب می دانید که جار و جنجال در تبلیغات نان و آب مردم نمی شود خوب می دانید که با کاغذ و مدرک روکردن در مناظرات نمی شود کشور را اداره کرد و الان دهه ۸۰ نیست که مردم با تخریب کاندیدای رقیب به شما رای بدهند، آگاهی جامعه بالا رفته و همه به دنبال برنامه ای هستند که شایسته اداره کشور باشد و با تخریب کاندیدای رقیب و رعایت نکردن اخلاق فقط و فقط آبروی خودتان، انتخابات و کشور را خواهید برد.

شبیه رییس جمهور شهیدمان باشید. تهمت ها را بشنوید و جواب ندهید توهین شش کلاسه بودن را بشنوید و طلب مغفرت کنید. سخت است اما تلاش کنید...

مقدمه ای نوشتیم تا بگویم کارتان خیلی سخت است، از شما درخواست داریم تا شبیه رییس جمهور شهیدمان باشید.

از همین الان تا روزی که انتخاب اکثریت مردم می شوید و بر صندلی ریاست جمهوری می نشینید (و یا انتخاب نمی شوید و...) (و یا)

ستادهای تبلیغاتی شما شروع به کار کرده اند، چندین مناظره در پیش دارید و مکررا قرار است با ما صحبت کنید. اما ما از شما چه می خواهیم؟ - برنامه و ایده ای که بتوان کشور را با آن اداره کرد

- دولتی که شایسته خدمت به مردم باشد. برنامه ای که بتوان با آن برای ثانیه به ثانیه اداره کشور حرف داشت و...

انتخابات آزاد؛ از ادعا تا واقعیت

هر بار که ایام انتخابات فرا می‌رسد، این پرسش در ذهن شهروندان و به خصوص دانشجویان خودنمایی می‌کند که آیا اصلاً انتخابات در ایران آزاد است؟ پاسخ به این سوال و جواب بله یا خیر به آن، دلیل مناسبی برای هر دو گروه طرفدار رای دادن یا رای ندادن شده است. اما واقعاً هم باید از خودمان پرسیم آیا آزادی در انتخابات وجود دارد؟ این آزادی مطلق است یا مشروط؟



اما کانون اصلی اختلافات اینجاست که عده‌ای طرفدار نظارت استصوابی و عده‌ای معتقد به نظارت استطلاعی شورای نگهبان هستند. حال معنای این دو کلمه به اصطلاح سنگین چیست؟ ما دو نظارت داریم. یک موقع شما بر اعمال فردی نظارت

می‌کنید اما هنگامی که او خطا مرتکب شد، شما صرفاً اطلاع دارید و نمی‌توانید دخالت کنید. نهایتاً بتوانید به مرجع بالاتر، گزارش دهید. این می‌شود نظارت استطلاعی که ریشه در کلمه اطلاع دارد. اما هنگامی که شما بتوانید علاوه بر اطلاع داشتن، وقت انجام اشتباه و خلاف، دخالت کنید، نظارت از نوع استصوابی است. در نظارت استطلاعی، باید پاسخگویی به مافوق وجود داشته باشد اما در نظارت استصوابی، نهاد بالاتری مدنظر نیست و خود شورای نگهبان، ناظر اصلی است. نظارت فعلی شورای نگهبان در بحث انتخابات نیز هم اکنون از نوع استصوابی است. همین موضوع است که موجب اعتراض عده ای به عنوان محدود کردن فضای سیاسی کشور شده است. طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، شورای نگهبان مسئولیت نظارت بر اجرای انتخابات و همه‌پرسی را بر عهده دارد و طبیعتاً مسئولیت نظارت هنگامی تحقق می‌یابد که نظارت از نوع استصوابی باشد. وگرنه اگر نهاد مجری انتخابات (وزارت کشور) و نهاد ناظر، هر دو یکی باشند، دیگر نظارت چه معنی دارد؟ با توجه به اینکه در این اصل قانون اساسی، نهاد بالاتری از شورای نگهبان تعریف نشده است،

مطمئناً آزادی مطلق برای انتخابات نه در ایران بلکه در هیچ کجای جهان مشاهده نمی‌شود. حرف ما هم در زمینه آزادی مطلق نیست. همواره محدود کردن فضای سیاسی کشور توسط شورای نگهبان، به عنوان ناظر بر انتخابات، در این ایام به عنوان یک بحث جنجالی، مطرح می‌شود. سوالی که ما قصد پاسخ دادن به آن را داریم. ابتدا واضح است که در همه جا، باید نهادی بی‌طرف حضور داشته باشد که بر فرایند انتخابات از صفر تا صد نظارت کند. این مورد در قانون اساسی ایران و سایر کشورها، قابل مشاهده است.

نتیجه می‌گیریم نظارت نمی‌تواند از نوع استطلاعی باشد و باید نظارت استصوابی باشد. این نظارت استصوابی نیز مربوط به امروز نیست و از ابتدای انقلاب اسلامی وجود داشته است. اما آیا نهادی مانند شورای نگهبان، ابداع جمهوری اسلامی است؟ با رجوع به اصل دوم متمم قانون اساسی در زمان قاجار و کوشش‌های شیخ فضل‌الله نوری، می‌توان دید که نظارت بر انتخابات از آن دوره وجود داشته است. هر چند در اواخر قاجار و دوره پهلوی، به مراتب رنگ باخت. همچنین نمونه‌های فراوانی از وجود نهادی مانند شورای نگهبان در سایر کشورها وجود دارد که وظیفه نظارت بر انتخابات را بر عهده دارند. دیوان قانون اساسی در ایتالیا و شورای قانون اساسی در فرانسه، از نمونه‌های این موضوع هستند. در ضمن از وقایع تاریخی می‌توان به واقعه ابطال کل نتایج انتخابات مجلس سنا و یا مداخله دیوان عالی فدرال آمریکا در نتایج انتخابات ۲۰۰۰ اشاره کرد. از این دست نمونه‌ها کم نیست. موضوعی که نشان می‌دهد کشورهای دیگر نیز برای نظارت در انتخابات، نهادهایی دارند و شورای نگهبان، ابداع جمهوری اسلامی نیست.

ادامه مطالب

تشکیل دولت‌های مختلف اصول‌گرا و اصلاح طلب و همچنین مجلس‌هایی با غالبیت نمایندگان اصول‌گرا و یا اصلاح‌طلب، موید این موضوع است. اگر تنها اعضای یک جناح سیاسی تایید می‌شدند، باید دولت‌ها و مجالسی با تفکر یکسان می‌داشتیم اما نحوه عملکرد و تفکر دولت و مجلس در طول ۴۶ سال انقلاب، بارها تغییر کرده و حتی مواضع مخالف نسبت به هم داشته است. در ضمن تنها شورای نگهبان ناظر بر انتخابات نیست. نهادهای دیگر مانند احزاب سیاسی، معتمدین محلی، اقشار فرهنگی و ... نیز در فرایند انتخابات نظارت دارند. البته واضح است کسانی که قانون اساسی و موارد بدیهی مانند تمامیت ارضی کشور را قبول ندارند، در انتخابات جایی نخواهند داشت. وظیفه شورای نگهبان نیز بررسی صلاحیت همین افراد است که آسیب قطعی برای کشور به شمار می‌روند. اما باز به سوال اصلی برگردیم: آیا انتخابات ایران آزاد است؟ بر اساس اصول مختلف قانون اساسی، مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم در انتخاب عالی‌ترین مقام‌های حکومتی نقش دارند. در ضمن برای برخی جایگاه‌ها نیز محدودیت‌هایی مانند سن و سلامتی و ... تعیین شده است. اما از آنجایی که می‌گویند: ادل الدلیل علی الامکان شیء، وقوعه، حضور تفکرات مختلف در عالی‌ترین سطوح کشور، اصلی‌ترین نشانه آزاد بودن انتخابات است.

امیر حسین قاسمی - ترم چهار

نکته مهم اینجاست که اعضای شورای نگهبان ثابت نیستند و تغییر می‌کنند و این خود نشان دهنده تغییر اندیشه‌ها است. این اعضا دوره ۶ ساله دارند اما هر ۳ سال به قید قرعه تعدادی از آن‌ها تغییر می‌کنند. در ضمن از ۱۲ عضو آن، ۶ عضو توسط نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند که این خود نشان از نقش مردم در تعیین اعضای این شورا دارد. عده‌ای نیز حضور طولانی‌مدت ایت الله جنتی را به عنوان رئیس شورای نگهبان، مورد اعتراض قرار می‌دهند. در حالی که رئیس شورای نگهبان نیز یک رای از دوازده رای دارد. با توجه به اینکه کم نیستند در کشورهایی مانند آمریکا که فردی مدت طولانی در یک جایگاه حکومتی قرار دارد. به عنوان مثال، قضات دیوان عالی آمریکا در صورتی که خطایی از آن‌ها سر نزنند، می‌توانند مادام‌العمر در جایگاه خود باقی بمانند. بحث داغ اما اینجاست که عده‌ای معتقد هستند شورای نگهبان اعضای یک جبهه سیاسی خاص را رد می‌کند. شاید بهتر باشد علت رد شدن را از خود جبهه مورد نظر پرسید! و گرنه شورای نگهبان در طول تاریخ بارها ثابت کرده است که تعلقی به جناحی ندارد و قانون را مدنظر قرار می‌دهد.

برگرفته از کتاب آوردگاه - چاپ ۱۴۰۰

معرفی کتاب



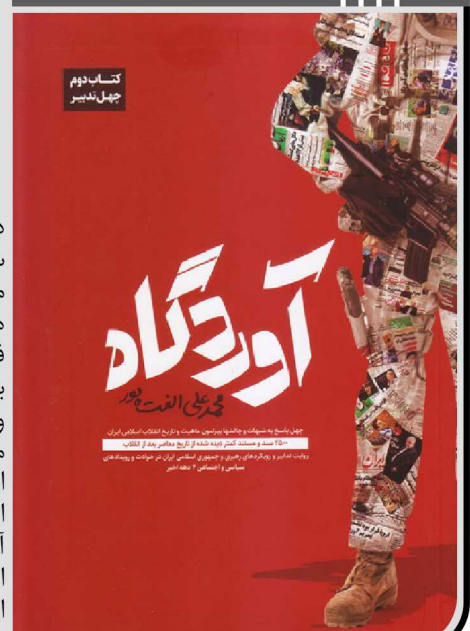
کتاب آوردگاه محمد علی الفت‌پور

بخشی از مقدمه کتاب
فراموشکاریم! نه ما که همه جهانیان این خصلت را دارند. از این روست که سیاستمداران این فرصت را پیدا می‌کنند تا دوباره با شکل و شمایل جدید، روش‌های قبلی خودشان را به میدان عمل بیاورند. فراموشکاری مانند بیماری است که خود انسان در درمانش کاهلی می‌کند! درمانی که هم ساده و هم سخت است. معمولا مردمی که دچار خسارت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شوند، بیشتر متمایلند به تاریخ‌شان نگاهی بیندازند.

آوردگاه محلی است برای یادآوری تاریخ معاصر ایران. موقعیتی که برای مشخص کردن زوایان پنهان و پیدای تاریخی که شفافیتش بر حقایقتش خواهد افزود. روایت تاریخ معاصر بعد از انقلاب به بهانه سولاتی که در ذهن مخاطبان نسل جدید و قدیم وجود دارد و عرصه بسیار دشواری است که می‌توان آن را به آوردگاه دلایل و براهین تشبیه کرد.

در این کتاب، به چهل سوال تاریخی و سیاسی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴ که احتمالا ذهن شما را هم مشغول کرده است، پاسخ داده شده است. پاسخ‌هایی جذاب و مستند و مستدل که واقعا چیزی فراتر از اطلاعات تاریخی ساده است. تحلیل‌هایی بدون نگاه جانب‌دارانه و صرفا بر اساس اسناد و مدارک. از آب و برق مجانی گرفته تا جنگ، مذاکرات هسته‌ای، حوادث سال ۱۳۸۸، مشکلات اقتصادی و...

اگر به تاریخ و سیاست علاقه دارید که حتما باید آن را بخوانید. اگر نه هم به عنوان یک شهروند، این‌ها حداقل اطلاعات تاریخی است که باید از اتفاقات مهم کشورتان داشته باشید!



همچون بهشتی آمد، بهشتی زیست، بهشتی رفت.



کهنه سربازان یزید غافلند از اینکه این مسلک بر محور یک تفکر است و وابسته به اشخاص نیست و با رفتن افراد از بین نخواهد رفت و ای بسا که قوی تر خواهد شد.

۱. رهبر انقلاب اسلامی ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

۲. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با خانواده شهدا ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

۳. رهبر انقلاب اسلامی درباره شهادت رئیس جمهور ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

پورانا پور شهریار - ترم شش

ارتباط با ما

انتقادات و پیشنهادات خود را با ما به اشتراک بگذارید

نشانی کانال تلگرامی نشریه نبض بهشتی:

@NABZ_SBMU

نشانی کانال تلگرامی بسیج دانشجویی دانشکده پزشکی:

@MED_BSBMU

عجیب نیست که برخی در شهادت این عزیز هلهله می کنند، این رسم کهنه ی یزیدی هاست. از گذشته تا به امروز و در آینده نیز همین گونه خواهد بود. تاریخ قلم مان را خواهد شکست اگر برای آیندگان ننویسیم او واقعا دغدغه مردم داشت و فیلم بازی نمی کرد. اگر چه «شرح خدمات ایشان خودش یک داستان طولانی و مفصل است.» (۱) ولی هر کس به سهم خودش می تواند بگوید و بنویسد.

یکی بگوید رئیسی واقعا توانست گفتمان "ما می توانیم" را احیا کند. گفتمانی که در ۸ سال قبل از او، کاملاً به حاشیه رفته بود. دیگر اینکه او واقعا توانست یک کشور با خزانه خالی و ورشکسته از نظر اقتصادی با سیاست خارجی و داخلی شکست خورده و شبیه جعبه باروت از نظر اجتماعی را بار دیگر سرپا و سر حال بیاورد.

من می گویم برجسته ترین ویژگی آقای رئیسی که باید در فضای سیاسی کشور حفظ و نهادینه شود، اخلاق او بود؛ بخصوص اخلاقش در انتخابات. با وجود اینکه کم تهمت و متلک نشنید و با اینکه که دستش پر بود، با حیای مطلق پاسخ نداد!

خوب یادمان هست که چه جریاناتی، ناجوانمردانه به دولت رئیسی می تاختند؟ چه بسا قرار بود در سال پیش رو، بلایی سر شهید رئیسی بیاورند تا محبوبیتش به زیر ۱۰ درصد برسد و خودشان در دور بعدی او را شکست دهند. شاید این حرف ها احساسی بنظر برسد اما عین واقعیت است! تمام این ها در حالی بود که وقتی به ایشان گفتند در برخورد با مردم مسایل امنیتی را بیشتر رعایت کنید گفته بود من به دور دوم فکر نمی کنم. خیلی ها اصرار داشتند رئیسی تک دوره ای بماند اما خدا اصرار داشت او جاودانه شود. فقط دیدن چند قاب از هزاران شهر عزادار ایران گویای این حقیقت است که وقتی خدا بخواهد انسان اینگونه در قلب مردم جایگاه پیدا می کند...

اکنون نیز حرف هایی از همان رنگ و بو به گوش مان می خورد: بگویند "انسان خوبی بود ولی رئیس جمهور خوبی نبود!". "قدیس سازی نکنید" تا ما رئیس جمهور شویم؛ کاری هم نداشته باشید که رهبری فرمودند «رئیسی مظهر شعارهای انقلاب بود» (۲) ما را دریابید که هر دوره با یک کاراکتر آمدیم و کاری پیش نبردیم روزی که روزش شود و از این خواب عمیق دنیا بیدار شویم و وارد زندگی ابدی شویم تا پرده ها از جلوی چشم مان کنار رود و بتوانیم واقعیت رو ببینیم؛ حقیقت این اتفاق هم به ما نشان داده می شود و خواهیم دید که «یکی از بهترین های زیر این آسمان را از دست دادیم» (۳)